

## بررسی میزان هوش هیجانی در دانشجویان سال چهارم رشته‌های مختلف

### دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸

دکتر علیرضا ظهیرالدین<sup>۱\*</sup>، دکتر پروین دیباج‌نیا<sup>۲</sup>، زهرا قیدر<sup>۳</sup>

- ۱- استاد، گروه روانپزشکی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- ۲- استادیار، گروه روانپزشکی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- ۳- کارشناس ارشد روانسنجی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

#### چکیده

**سابقه و هدف:** هوش هیجانی مجموعه‌ای از هیجانات، عواطف، دانش اجتماعی و توانمندی‌هایی است که فرد را جهت تطابق با محیط آماده می‌کند و عملکرد شغلی و خانوادگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت هوش هیجانی در رفتارها و عدم اطلاعات کافی از میزان آن در میان دانشجویان، هدف این مطالعه بررسی و مقایسه هوش هیجانی دانشجویان سال چهارم رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸۷-۸۸ می‌باشد.

**مواد و روشها:** این پژوهش از نوع مطالعات مقایسه‌ای بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ۹۰ سوالی بار-اوون و پرسشنامه اطلاعات فردی استفاده شده است. ۴۰۰ دانشجو به شیوه نمونه‌برداری سهمیه‌ای در این مطالعه شرکت کردند که در نهایت ۳۷۹ پرسشنامه با استفاده از روشهای آمار توصیفی، آزمون t و آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** از میان افراد مورد مطالعه ۲۴/۵٪ مذکر بودند. بالاترین میانگین نمره هوش هیجانی (۳۳۲) در دانشکده پرستاری و کمترین نمره (۳۰۷) در دانشکده بهداشت به دست آمد و نشان داد هوش هیجانی دانشجویان در رشته‌های مختلف پزشکی در سطح متوسط قرار دارد. هوش هیجانی در میان دانشجویان متأهل بیشتر از غیرمتأهلها بود ( $p < 0/05$ )، در حالیکه میزان هوش هیجانی در میان زنان و مردان، رشته‌های مختلف پزشکی و اهلیت تفاوت معنی‌داری را نشان نداد.

**نتیجه‌گیری:** باتوجه به عدم تفاوت هوش هیجانی در گروههای مختلف و پایین بودن سطح آن بهتر است تا آموزش مهارتهای هوش هیجانی در همه سطوح مورد توجه قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** هوش هیجانی، دانشجوی علوم پزشکی، پرسشنامه بار-اوون

لطفاً به این مقاله به صورت زیر استناد نمایید:

Zahiroddin A, Dibajnia P, Gheidar Z. Evaluation of emotional intelligence among students of 4th grade in different medical majors in Shahid Beheshti University of Medical Sciences. *Pejouhandeh* 2010;15(5): 204-7.

#### مقدمه<sup>۱</sup>

با تغییرات و حل مسائل شخصی و اجتماعی (۱). در سالهای اخیر تحقیقات گسترده‌ای در مورد هیجانها و تأثیر آنها در زندگی افراد صورت گرفته است (۸-۲)؛ این مطالعات نشان می‌دهند که علاوه بر هوش، هیجانها نیز در چگونگی اداره خود و دیگران دخالت دارند و از طریق آموزش، بازخوردها و تجربه می‌توان این هیجانها را به بالاترین و مفیدترین سطح کارایی رساند (۹). بر همین اساس مهارتهای هوش هیجانی از مهمترین عوامل موفقیت‌های شغلی و خانوادگی محسوب می‌گردند و آموزش و ارتقاء آن مورد توجه مراکز مختلف قرار گرفته و مطالعات گسترده‌ای در این حوزه صورت گرفته است.

هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از هیجانات، دانش اجتماعی و توانمندی‌هایی است که قدرت کلی ما را در جهتی که بتوانیم به عوامل و فشارهای محیطی پاسخ مناسب دهیم هدایت و تقویت می‌کند و سبب عملکرد بهینه در چهار حیطة زیر می‌گردد: خود آگاهی (درک توانایی‌های خود و ابراز آنها)؛ آگاهی اجتماعی (آگاهی نسبت به دیگران و درک توانایی‌های آنها و همدلی)؛ مدیریت رابطه؛ و خود مدیریتی (توانایی انطباق

\* نویسنده مسؤؤل مکاتبات: دکتر علیرضا ظهیرالدین، تهران، میدان امام حسین، خیابان مدنی، بیمارستان امام حسین، مرکز پژوهشهای رفتاری؛ تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۵۳۰۳۴-۹۸++ پست الکترونیک: azahirodin@yahoo.com

همکاران هنجاریابی شده و پایایی آن با روش آلفای کرنباخ ۹۳٪ محاسبه گردیده است (۱۳). پس از جمع‌آوری داده‌ها از روشهای آمار توصیفی مانند میانگین، واریانس و انحراف استاندارد برای خلاصه کردن داده و روشهای آمار استنباطی مانند آزمون t برای بررسی تفاوت میان هوش هیجانی در رشته‌های مختلف، و برای بررسی رابطه هوش هیجانی با جنس، تأهل و اهلیت از آزمون تحلیل و واریانس استفاده گردید.

### یافته‌ها

از میان ۴۰۰ دانشجوی مورد مطالعه ۵/۲٪ به علت انصراف از طرح خارج شدند و در نهایت ۳۷۹ دانشجو که شامل ۹۳ نفر مرد (۲۴/۵٪) و ۲۸۶ زن (۷۵/۵٪) بودند در مطالعه شرکت کردند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که میزان هوش هیجانی دانشجویان مورد مطالعه حداقل ۳۰۷ و حداکثر ۳۳۲ می‌باشد که در جدول ۱ ارائه گردیده است. همانگونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد بالاترین نمره هوش هیجانی ۳۳۲ مربوط به گروه پرستاری و کمترین نمره ۳۰۷ مربوط به گروه بهداشت می‌باشد و در عین حال بیشترین ناهمگونی نیز در گروه پرستاران مشاهده می‌گردد. بیشترین اختلاف نمره در میان دانشکده‌ها مربوط به دانشکده پرستاری و دانشکده بهداشت با اختلاف ۲۵ نمره است که از لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول ۱- هوش هیجانی در دانشجویان مورد مطالعه برحسب دانشکده‌ها

دانشکده	تعداد	میانگین نمره هوش هیجانی
پزشکی	۲۱	۲۱ ± ۳۱
پرستاری	۱۵	۳۳۲ ± ۳۶
دندانپزشکی	۳۴	۳۱۱ ± ۲۰
داروسازی	۹	۲۲۴ ± ۱۷
پیراپزشکی	۶۹	۳۲۱ ± ۲۳
صنایع غذایی	۷۹	۳۱۴ ± ۲۵
توانبخشی	۳۹	۳۲۲ ± ۲۵
بهداشت	۱۱۲	۳۰۷ ± ۳۱

بر اساس نتایج جدول ۲ و در سطح معناداری ۰/۰۵٪ هوش هیجانی دانشجویان در دانشکده‌های مختلف با هم تفاوتی معنی‌دار ندارد. همچنین نتایج نشان داد که میان هوش هیجانی دانشجویان زن و مرد ( $P < 0/05$ ) و دانشجویان اهل شهر تهران با بقیه شهرها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما هوش هیجانی دانشجویان متأهل با دانشجویان غیرمتأهل در سطح ( $P < 0/05$ ) دارای تفاوت معنی‌دار است.

هوش هیجانی مفهومی بر اساس هیجانها و هوش اجتماعی است که هر دو از عوامل مهم و تأثیرگذار در رفتارها و ارتباطات هستند. هوش اجتماعی، توانایی درک و اداره دیگران است که سبب عملکرد خردمندانه در ارتباطات انسانی می‌گردد و هیجانها تلاشی هستند برای انعطاف‌پذیر ساختن این عملکردها در حوزه فردی و اجتماعی که در نهایت این سازگاری و تطابق، سلامت فرد و جامعه را به همراه خود خواهد داشت.

هوش هیجانی باعث سلامتی، موفقیت و خوشبختی افراد در زندگی فردی و حرفه‌ای می‌گردد (۲). داماسیو اظهار می‌کند که مغز هیجانی به همان اندازه مغز متفکر در استدلال کردن نقش دارد (۱۱-۱۰). کیاروجی و همکاران مدلی را برای نقش بالقوه هوش هیجانی در جنبه‌های زندگی روزمره ارائه می‌دهند و معتقد هستند که هوش هیجانی به ما در درک بهتر و پیش‌بینی جنبه‌های مختلف زندگی مثل حوادث، عواقب و تطابق آنها کمک می‌کند (۱۲). به طور کلی می‌توان گفت هوش هیجانی باعث ارتباط بهینه با دیگران، کنترل خود، تطابق و انگیزه برای زندگی می‌گردد و مهارتهای درون فردی، بین فردی، سازش‌پذیری، مدیریت استرس و خلق و خوی عمومی را افزایش می‌دهد و می‌تواند سطح کارایی افراد را در زمینه تحصیلی و تخصصی افزایش دهد (۱۰). آگاهی مسئولین آموزشی و تربیتی جامعه از هوش هیجانی و تأثیرات آن در کاهش خطرات احتمالی مانند اعتیاد، بزهکاری، طلاق و بیماریهای روانی راهگشای بسیاری از مشکلات خواهد بود. بنابراین با توجه به اهمیت هوش هیجانی در موقعیتهای شغلی و خانوادگی و قابلیت آموزش‌پذیری مهارتهای آن، و از سوی دیگر عدم اطلاعات کافی از میزان آن در میان دانشجویان سال چهارم رشته‌های پزشکی دانشگاه شهید بهشتی، این مطالعه در سال ۸۸-۸۷ بر روی این گروه صورت گرفت.

### مواد و روشها

این مطالعه از نوع مطالعات مقایسه‌ای است. گروه مورد مطالعه شامل ۴۰۰ دانشجوی زن و مرد می‌باشد که به صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای از میان دانشجویان سال چهارم رشته‌های پزشکی انتخاب شده بودند. این گروه پس از ارائه توضیحات لازم توسط آزمونگران آموزش دیده، به تکمیل کردن پرسشنامه اطلاعات فردی (شامل جنس، تأهل، اهلیت) و پرسشنامه ۹۰ سؤالی بار-اوون پرداختند. پرسشنامه بار-اوون به صورت ۵ گزینه‌ای است و با روش لیکرت نمره‌گذاری می‌گردد، حداقل نمره کسب شده از آن ۹۰ و حداکثر نمره ۴۵۰ می‌باشد. این پرسشنامه توسط سموعی و

جدول ۲- آنالیز واریانس نمرات EQ آزمونها در دانشکده‌های مختلف

منبع تغییرات	درجات آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	آزمون F	Sig
بین گروهها	۱۵۶	۱۰۶۹/۷۲	۶/۸۵		
درون گروهی	۲۲۱	۱۶۲۲/۰۴	۷/۳۴	۰/۹۳	۰/۶۷
جمع	۳۷۷	۲۶۹۱/۷۶			

## بحث

همانگونه که گفته شد این مطالعه به بررسی هوش هیجانی دانشجویان دانشکده‌های مختلف علوم پزشکی که شامل دانشکده‌های پزشکی، پرستاری، دندانپزشکی، داروسازی، پیراپزشکی، صنایع غذایی، توانبخشی و بهداشت بود پرداخت. حجم نمونه شامل ۴۰۰ دانشجوی زن و مرد بود که این گروهها به دو پرسشنامه اطلاعات فردی و پرسشنامه ۹۰ سؤالی بار- اوون پاسخ دادند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بالاترین نمره هوش هیجانی ۳۳۲ و کمترین آن ۳۰۷ است و هوش هیجانی گروههای مختلف پزشکی با هم تفاوتی ندارد. هوش هیجانی دانشجویان رشته‌های پزشکی در سطح متوسط قرار دارد، در حالیکه نتایج فراوانی نشان دهنده ارتباط مستقیم میان هوش هیجانی و موفقیت در کار است (۱۷-۱۴). البته هنگامی که موضوع تعیین افراد با عالی‌ترین عملکرد در یک شغل و یا شناخت رهبرانی ممتاز باشد، هوش هیجانی عامل مهم‌تری نسبت به هوش عقلانی خواهد بود (۱ و ۱۹-۱۸) پژوهشهای انجام شده در دانشگاه کوئینزلند نشان داد ۹۰٪ کسانی که عملکرد شغلی عالی دارند از هوش هیجانی بسیار بالا برخوردارند (۱). در واقع مهارتهای هوش هیجانی مانند مسؤولیت پذیری، همدلی و درک دیگران، روابط بین فردی، انعطاف پذیری، واقع گرایی، حل مسأله و تحمل فشار روانی، از عوامل مهم در مشاغل حساسی همچون پزشکی می باشند. بنابراین لازم است تا این مهارتها و آموزش آنها در دانشجویان رشته های پزشکی مورد توجه قرار گیرند. وایزینگر (۱۷) عنوان می‌دارد که ارتباط مستقیمی بین هوش هیجانی و موفقیت در کار وجود دارد. هوش هیجانی با رضایت از زندگی و کیفیت و کمیت شبکه ارتباطات اجتماعی ارتباط مثبتی دارد. مشخص شده است که هوش هیجانی خیلی بیشتر از شخصیت فرد، تعیین کننده وسعت شبکه روابط اجتماعی افراد می‌باشد (۱۳).

یوست و تاکر (۱۱) این مسأله را تأیید نمودند که بین کار گروهی موفق و هوش هیجانی وجوه اشتراک بسیاری وجود دارد. آنها ادعا نمودند که قابلیت‌های هوش هیجانی از "مهارتهای یدی" افراد، همچون توانایی فنی، بسیار مهمتر می‌باشد. تفاوت روابط کاری موفق و متوسط خصوصاً در گروههای کاری را می‌توان به تسلط اعضای گروه بر مهارتها، توانایی‌ها و راهکارهای مبتنی بر هوش هیجانی، نسبت داد.

همچنین نتایج مطالعه آشکار کرد که میان هوش هیجانی زنان و مردان، دانشجویان اهل تهران و غیر تهران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهند که رفتار مبتنی بر هوش هیجانی در مردان و زنان دارای تفاوت است و میزان و ماهیت این تفاوت اساساً تحت تأثیر عوامل فرهنگی است. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهند که رفتار مبتنی بر هوش هیجانی در محل کار و فضای زندگی خصوصی افراد متفاوت است. مطالعات دیگری (۲۲-۲۰) نشان داد که تفاوت هوش هیجانی زنان و مردان بیشتر با قابلیت‌های هوش هیجانی در ارتباط است و آنها در نمره کلی با هم تفاوتی ندارند (۱۰).

از دیگر نتایج، تفاوت معنی‌دار هوش هیجانی میان افراد متأهل و غیرمتأهل است. بر اساس تحقیقات، هوش هیجانی عامل پیش‌بینی کننده بهتری در عملکردهای کاری و تحصیلی است (۱۳). افرادی که بهتر می‌توانند هیجانهای دیگران را بازشناسی کنند، در کار و همچنین در زندگی اجتماعی خود از موفقیت بیشتری برخوردار می‌باشند (۴). تحقیقات در خصوص آموزش و یادگیری هیجانها و تغییر رفتار عنوان می‌دارد که می‌توان به افراد در هر سنی کمک نمود تا از نظر کنترل هیجانها در محل کارشان هوشمندتر عمل کنند. هوش هیجانی مدل مثبتی را برای روانشناسی ارائه می‌کند. مانند دیگر مدل‌های مثبت، این مدل دارای اشارات ضمنی و روشهایی است که ما را در برطرف نمودن بسیاری از مشکلات روزمره، فعالیت‌های پیشگیرانه ذهنی و فیزیکی و همچنین برای مداخلات مؤثر در مدارس و اجتماعات، کسب و کار و در سازمانها هدایت می‌کند. افرادی که سطح هوش هیجانی آنها بالاتر از متوسط است معمولاً از توانایی بهتری برای مواجهه و مقابله با فشارهای روانی برخوردار هستند و این توانایی برای ایجاد و حفظ اشتیاق، اطمینان و تشریک مساعی در محل کار دارای اهمیت بسیار بالایی است (۱۰).

## نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج این پژوهش و آموزش پذیر بودن مهارتهای هوش هیجانی، می‌توان قدرت تطابق دانشجویان با فشارهای محیطی را افزایش داد و از طریق این آموزشها خلق و خوی عمومی را بهبود بخشید. همچنین می‌توان با ایجاد مهارتهای

## تشکر و قدردانی

لازم است تا بدین وسیله از زحمات تمام دانشجویانی که در جهت انجام این پژوهش ما را یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را بنماییم.

فردی و بین فردی، احتمال بیماریهای جسمی و روانی را کاهش داد و بدین طریق سبب عملکرد مناسب و مفید متخصصان رشته‌های پزشکی در محیط شغلی و خانوادگی گشت.

## REFERENCES

- Goleman D, Boyatzis RE, Mckee A. Primal leadership: Realizing the Power of Emotional Intelligence. Boston, Massachusetts: Harvard Business School Press; 2002.
- Bar-On R, Parker JDA. The Handbook of Emotional Intelligence: Theory, Development, Assessment, and Application at Home, School and in the Workplace. 1<sup>st</sup> ed. San Francisco, CA: Jossey- Bass; 2000.
- Stone H, Parker JDA, Wood LM. Report on the Ontario Principals' Council Leadership Study. 2005. Available from: [http://www.eiconsortium.org/reports/opc\\_leadership\\_study\\_final\\_report.html](http://www.eiconsortium.org/reports/opc_leadership_study_final_report.html)
- Gheidari Z. Study of correlation between creativity and EQ among insurance worker. Tehran: Asre Andishe institute; 2009. (Text in Persian)
- Asadpor E. Effectiveness of EQ components training on students' health. (dissertation). Tehran: Tarbeyat Moalem University; 2007. (Text in Persian)
- Mayer JD, Caruso DR, Salovey P. Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence* 1999;27(4):267-98.
- Spencer LM. Competency assessment methods: History and state of the art Competency assessment, history and state of the art. Boston: Hay/McBer Research Press; 1997.
- Feist GJ, Barron F. Emotional intelligence and academic intelligence in Career and life success. The Annual Convention of the American Psychological Society. San Francisco, CA: June 1996.
- Nowack K. Emotional Intelligence: Leaders Make a Difference. 2006. [www.eiconsortium.org](http://www.eiconsortium.org)
- Damasio AR. Descartes' error: emotion, reason, and the human brain. New York: G. P. Putnam; 1994.
- Yost CA, Tucker ML. Are effective teams more emotionally intelligent? Confirming the importance of effective communication in teams. *Delta Pi Epsilon Journal* 2000;42(2):101-9.
- Ciarrochi J, Forgas JP, Mayer JD. Emotional Intelligence in every day life a Scientific Inquiry: NY: Psychology Press; 2001.
- Samoe R. Emotional intelligence test. Tehran: Sina research institute publication; 2005. (Text in Persian)
- Pritchard VE, Clark CA, Liberty K, Champion PR, Wilson K, Woodward LJ. Early school-based learning difficulties in children born very preterm. *Early Hum Dev* 2009;85(4):215-24.
- Grossman M, Wood W. Sex differences in intensity of emotional experience: a social role interpretation. *J Personal Soc Psychol* 1993;65(5):1010-22.
- Tucker ML, Sojka JZ, Barone FJ, McCarthy AM. Training tomorrow's leaders: Enhancing the emotional Intelligence of business graduates. *J Educ Business* 2000;75(6):331-7.
- Weisinger H. Emotional intelligence at work. The untapped Edge for Success. San Francisco: Jossey-Bass; 1998.
- Goleman D. Working with Emotional Intelligence. New York: Bantam; 1998.
- Cherniss C, Goleman D. The Emotionally Intelligent Workplace How to Select For, Measure, and Improve Emotional Intelligence in Individuals, Groups, and Organizations. 1<sup>st</sup> ed. San Francisco, CA: Jossey- Bass; 2001.
- Hofstede G. Cultures and organizations: Software of the mind. New York: McGraw Hill; 1997.
- Boyatzis R. The financial impact of competencies in leadership and management of consulting firms. Cleveland: Case Western Reserve University; 1999.
- Boyatzis RE, Goleman D, Hay Group. The Emotional Competence Inventory (ECI). Boston: HayGroup; 2001.